

حال همه «صلح» می‌خواهند!

امان کفا

امروز نماینده آمریکا در سازمان ملل اعلام داشت که هنوز امکان به نتیجه رسیدن مذاکرات «صلح» وجود دارد، و آنتونی بلینکن به‌مراه مشاوران خود همچنان در خاورمیانه در سفر میان کشورهای این منطقه است! این «خبری» است که خبرگزاری‌های رسمی در غرب اعلام کرده‌اند و البته تاکید دارند که «فشار آمریکا به نتیناهو» موثر بوده است و دیگر تنها معضل امروز حماس است که باید این طرح «پل زنی» را بپذیرد تا «صلح» برقرار شود.

برخلاف تبلیغاتی که آمریکا و شرکا برآه انداخته‌اند، این مذاکرات قرار نیست که به گشتار دستجمعی، به بمباران‌ها، و محاصره همه جانبه غزه، به تحمیل آوارگی چندین باره مردم فلسطین در حالیکه بیش از ۸۰ درصد غزه از جانب اسرائیل «میدان جنگ» نامیده شده است، و ... پایان دهد. بلکه قرار است موقعیت نظامی اسرائیل در غزه و مصونیت این دولت فاشیست را تثبیت کند. کل هیئت حاکمه در آمریکا با ارسال بسته‌های کمک‌های مالی و نظامی به اسرائیل در طی همین هفته و در کنار طرح «پل زنی» و آتش بس موقت، بار دیگر نشان داد که کناره‌گیری بایدن از ریاست جمهوری در انتخابات آمریکا، تغییری در سیاست حمایت آمریکا از اسرائیل ندارد.

همه می‌دانند که در «مذاکرات» جاری، رئیس سازمان سیا، رئیس موساد، و مقامات امنیتی و اطلاعاتی با «وساطت» قطر و مصر سعی دارند که تنها «وقفه‌ای» در این جنگ و کشتار بخرند، و سپس همین اوضاع، و همین جنایات را اسرائیل ادامه دهد. نتیجه این طرح، اگر هم به تصویب برسد، نه پایانی برای این نسل‌کشی، بلکه وقفه‌ای کوتاه، آتش بس موقتی را ممکن می‌سازد. آمریکا خواهان مهلت خریدن، آنهم پس از ترور هنیه در ایران است.

اما، علیرغم این میزان دروغ و جوسازی تبلیغاتی کریه در ژورنال‌های رسمی غرب، آنهم بخصوص در آستانه برنامه‌های انتخاباتی کامیلا هاریس در آمریکا و به قصد بازگرداندن مشروعیت دوباره به نظام دموکراسی غربی، تظاهرات‌های وسیع در آمریکا و اعتراضات علیه کشتار و بمباران‌های بی‌وقفه مردم فلسطین در بسیاری از کشورها، همچنان ادامه دارد. مردم متمدن دنیا، دیگر خریدار این تبلیغات دروغین نیستند.

از منظر بشریت متمدن، دولت فاشیست اسرائیل، آمریکا و متحدین آن، مسبب کشتار بیش از چهل هزار زن و مرد، کودک، صدها هزار مفقود و مجروح، بی‌خانمانی و آوارگی بی‌وقفه مردم فلسطین هستند. امروز دیگر برای بشریت مسجل است که تنها راه پایان دادن به این نسل‌کشی، نه آمریکا و نه دولت‌های گوناگون و سازمان ملل و نهاد‌های دولتی، بلکه تنها توسط نیروی عظیم همین مردم متمدن دنیا ممکن است.

- کارگران جهان متحد شوید! -

اعتصاب و اعتراض سراسری پرستاران؛ حق‌هایی که به قدرت خود، گرفتاری است!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

درگذشت پروانه ماندنی پرستار ۳۲ ساله بیمارستان امام حسین سپیدان در استان فارس در روز ۱۲ مرداد به دلیل فشار سیستماتیک کار سخت و طولانی و ناامنی شغلی، جرقه‌ای شد بر آتش خشم بخش اعظم دویست و سی هزار پرستار شاغل در ایران که حدود پنجاه بیمارستان در سراسر کشور را به اعتصاب کشاند! خشم و اعتراضی که در بستری سازمان یافته، متحد و متشکل، جاری شد.

این اعتصاب از روز شنبه ۱۳ مرداد شروع شد، روز ۱۵ مرداد به اوج خود رسید، و امروز ۳۰ مرداد همچنان در بیمارستان‌های زیادی ادامه دارد. با یک اقدام فکر شده و سازمان یافته، هشتاد درصد بیمارستان‌های شیراز، بسیاری از بیمارستان‌های سراسر کشور در یاسوج، اصفهان، اهواز، اراک، مشهد، جهرم، قزوین، کرج، آباد، تبریز، زنجان، به اعتصاب کشیده شد. اخبار منتشره، از گسترش اعتصابات و اعتراضات در بیمارستان‌های دولتی جهرم، فسا، لامرد و سایر شهرهای استان فارس و بیمارستان‌های استان‌های مرکزی، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان رضوی و برخی استان‌های دیگر به عنوان شهرها و استان‌های درگیر اعتراض، نام می‌برند. ... صفحه ۲

مبارزات کارگری و تأثیرات فضای جنگی

مصاحبه رادیو نیئا با خالد حاج محمدی

آسو سهامی: در بحبوحه فضای جنگی و دستگاه پروپاگاندا حکومتی برای جلب توجه مردم ایران به جنگ با اسرائیل، ما شاهد اعتراضات و اعتصابات وسیع کارگری هستیم. بنا به اخبار منتشر شده اعتصابات کارگران مراکز صنعتی و از جمله کارگران ماشین‌سازی پارس واگن، کارگران نفت و پتروشیمی‌ها، پرستاران و بازنشستگان و دیگر اقشار محروم جامعه در جریان است.



امروز خالد حاج محمدی دبیر کمیته رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی) با ما است تا با ایشان نگاهی به اعتصابات و اعتراضات کارگری در دل فضای جنگی موجود بیندازیم. رفیق خالد حاج محمدی به بر نامه امروز ما خوش آمدید. در حالی که ما شاهد صدور احکام اعدام، شکنجه و زندان و دستگیری‌ها هستیم و علیرغم فضای جنگی موجود، انگار جامعه و طبقه کارگر بی‌توجه به این وضعیت، مسیر مبارزاتی خودش را طی می‌کند. ما روزانه شاهد اعتراضات کارگری در مراکز صنعتی، ماشین‌سازی‌ها، نفت و پتروشیمی و اعتراضات گسترده پرستاران و بازنشستگان در سراسر کشور هستیم. اعتصابات و اعتراضات کارگری در این دوره را شما چگونه ارزیابی می‌کنند؟

خالد حاج محمدی: ابتدا تشکر می‌کنم از شما و به همه بینندگان و شنوندگان برنامه درود می‌فرستم. ... ادامه در صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

گرفتن حق خود، به زور متحدانه متشکل خود!

اگر حکومت به حربه نیروی انتظامی و حراست و زندان و پرونده امنیتی با این اعتصاب، همچون اعتصابات کارگری و سایر اعتصابات در کشور مقابله میکند، از خوف پیشروی این قدرت است، نه اندازه «کمی» این و آن مطالبه!

سال ها است که در ایران، حرف اول و آخر مقتضیات زندگی مردم را قدرت پایین، قدرتی که نه بصورت شورش کور و فردی، که بصورت متحدانه و متشکل جریان دارد، می زند! کارکنان جامعه، طبقه کارگر، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و .. این واقعیت را به فرهنگ محیط کار در ایران تبدیل کرده اند!

این جا قدرت کار رو در رو به مصاف قدرت سرمایه، به جدال با قدرت نمایندگان سرمایه در حاکمیت، به مصاف بی عدالتی و ظلم و تبعیض و فقر و بی حقوقی و اختناق آمده است!

به این دلیل از منظر حاکمیت در ایران، اعتصاب کار «اغتشاشگران» است و «تحریر کنندگان» و «علیه امنیت ملی»! از منظر فروشنده نیروی کار اما، به کار انداختن زور و قدرت خواباندن کار، بکار گیری زور و قدرت اجتماعی متحد در محل کار و زندگی، تنها زبانی است که حکومت فقر و استثمار می فهمد! عقب می نشیند، سر کیسه را شل میکند، و نهایتاً زندگی انگلی و شرش را از سر جامعه مولد و کارکن، برمیدارد!

اعتصاب عظیم و شکوهمند پرستاران، که سازمان یافته و متحدانه پیش می رود و پیش رفته است، صحنه ای از این واقعیت در ایران است و شایسته بیشترین حمایت ها است. این یک جنبش عظیم انقلابی است که «چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است» را مدت ها است از هفت تپه و فولاد و نفت و گاز و پتروشیمی ها و ماشین سازی ها، تا تشکل های معلمان، بازنشستگان و پرستاران، به باور خود تبدیل کرده است و با به جریان انداختن آن، ملزومات زندگی خود را معلوم میکنند!

پیروز باد اعتصاب و مبارزه پرستاران

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۳۰ مرداد ۱۴۰۳

کارگران کمونیست!

**حزب ما، سنگر اتحاد و
تشکل حزب شماست.**

حزب را از آن خود کنید!

مطالبه پرستاران، علاوه بر اعتراض به شرایط سخت و ناامن کاری با دستمزد های نازل، که موجب مرگ بسیاری از پرستاران یا زیر فشار خردکننده کار و یا بر اثر خودکشی های ناشی از فقر می شود، همچنین شامل لغو اضافه کاری های اجباری، پرداخت دستمزد های پرداخت نشده و افزایش دستمزد های نازل، افزایش مبلغ اضافه کاری و اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور، بازنشستگی و لغو اضافه کاری اجباری است.

از جمله شعارهایی که پرستاران در روزهای گذشته سر دادند عبارت اند از: «نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم»، «پرستار داد بزن، حقت رو فریاد بزن»، «از وعده خسته ایم»، «فکر نکنید یک روزه، وعده ما هر روزه»، «حقوقمون رو نگیریم شیفتامونو نمی ریم»، «وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه»، «تعرفه ما کجاست، توی جیب شماهاست!»

این اعتصاب با شعارها و اجتماعات و فراخوان ها، نه تنها همکاران را به اعتصاب سراسری فرامیخواند که از جامعه حمایت می طلبد. فراخوانی که سرعت توسط تشکل های صنفی، کارگری و اجتماعی پاسخ گرفت و پیام های حمایتی از سندیکا شرکت واحد، سندیکا هفت تپه، کانال مستقل کارگران هفت تپه، بازنشستگان کشوری در همراهی با بازنشستگاه تامین اجتماعی و مخابرات در کرمانشان و دانشجویان پیشرو و تعداد دیگری از انجمن ها و تشکل های اجتماعی و محل های کار، از این اعتصاب حمایت کرده اند.

طبعاً اولین پاسخ مقامات و مسئولین حکومتی، ارسال نیروی انتظامی و حراست، تهدید به اخراج و دست زدن به اخراج، پرونده سازی های امنیتی و مقابله با اجتماعات پرستاران بوده است. مقابله ای که نه تنها کمترین تأثیری در خاموش کردن اعتراضات نداشت، که دامنه آن را گسترش داد.

اعتراف مسئولین به ناتوانی در مقابله با این اعتصاب گسترده با استفاده از بازوی نظامی و زندان و پلیس و روی آوری به وعده و وعید تلاش برای خریدن وقت و فرصت و پایان دادن مشروط اعتصاب در بخش هایی، به موازات ادامه تهدیدات پی در پی امنیتی و بالای سرنگاه داشتن شمشیر اخراج و بیکاری، عملاً راهی برای عقب نشینی حکومت در مقابل عزم و اراده جمعی و متشکل این جمعیت عظیم کارکن است.

اعتصاب سراسری پرستاران، که امروز ایران را به تسخیر خود درآورده است، برخلاف تبلیغات کم مایه بخش اعظم رسانه های اصلی، نه یک «اعتراض مدنی» و نشان زنده بودن «جامعه مدنی»، که یک اعتراض و اعتصاب متشکل، سازمان یافته و سراسری است! یک حرکت متحدانه بخشی از جامعه کارکن است که در هر دم و بازدم به «بردگی مزدی» اعتراض دارد! به فقر و بی حقوقی و بی حرمتی، اعتراض دارد!

اعتصاب و اعتراض این جمعیت کارکن، همچون طبقه کارگری که همواره متحدانه در میدان اعتراض و اعتصاب است، نه یک حرکت و اقدام «مدنی» تنها برای «رساندن صدای خود» که یک اقدام عملی متحدانه از پایین توسط بردگان مزدی است که بالایی ها را خوب می شناسند و ملزومات زندگی خود را به وعده و وعید و قوانین آنها و اقتدار، لطف و مرحمت آنها، نسپرده است!

برای گرفتن حق خود، به نیروی، نه فردی و فکر نشده که متحد و متشکل و فکر شده خود، متکی است و به میدان آمده است!

آموخته است که «حق گرفتی» است و تنها و تنها با فشار متحدانه و متشکل پایین تامین میشود!

نفتی و پتروشیمی ها، معادن و... را در این سالها نگاه کنید حاوی تجارب گرنهها و بسیار غنی است. حقیقت این است که جمهوری اسلامی از عهده طبقه کارگر در همین سطح مبارزات کنونی اش بر نمی آید و به آن به عنوان یک خطر جدی نگاه میکند. جمهوری اسلامی به این آگاه است و میدانند نمیتواند این مبارزات را همه جانبه سرکوب کند، میدانند به خانه فرستادن طبقه کارگر و ساکت کردن و تحمیل استصال ممکن نیست و تلاش میکنند به صورتی اوضاع را کنترل کنند، قبول کرده است این اعتراضات ادامه دارد و این کشمکش قابل ساکت کردن نیست. تلاش میکنند ضمن اینکه جواب مطالبات کارگران را ندهند و خواستههای آنها را بر آورد نکنند و برای این امر از همه ابزارهایی که دارد از جمله فضای جنگی در منطقه نهایت استفاده را بکنند، در عین حال قبول کند با این طبقه و این مبارزات در جدال همیشگی است و وجود آنرا برسمیت بشناسد و برای خود وقت بخرد و اوضاع را کنترل کند.

اما برای به نتیجه رسیدن این مبارزات باید قدمهایی برداشت و اقدامات معینی را با تکیه بر تجارب کنونی در دستور گذاشت. متأسفانه سطح مبارزات تا کنونی طبقه کارگر و میزان قدرت و فشار آن با همه فداکاری های این طبقه در این سطح نبوده که بتواند تشکلهای توده ای خود را به حاکمیت تحمیل کند و نبود تشکلات توده ای کارگری معضل جدی برای طبقه کارگر در جدال با بورژوازی ایران و حکومتش است. طبقه کارگر راهی ندارد جز اینکه علیرغم ممنوع بودن سازمانهای توده ای کارگری راهی برای تحکیم اتحاد صفوف خود در پیش بگیرد و تامين این مهم جز با اتکا به مجامع عمومی کارگر و تصمیمات جمعی و دخالت دادن توده کارگران در این تصمیمات ممکن نیست. مجامع عمومی مانند شورا و اتحادیه و سندیکا نیست و در خفقان زده ترین جامعه و در هر شرایطی کارگر میتواند روی مسائلی که دارد و در هر فرصتی جمع شود، بحث و مشورت کند و به صورت جمعی تصمیم بگیرد. کارگران در بسیاری از مبارزات خود به مجمع عمومی متکی اند و اما منظم کردن آنها و نهادینه کردن و مستمر کردن آن نیازی جدی است تا بتوانان صفوف کارگران را متحد کرد، تردیدها و دو دلی ها را رفع کرد، جواب سوالات و ابهامات را داد و مانع انشقاق در صفوف کارگران شد و توطئه های کارفرمایان و دولت و عوامل آنها را خنثی کرد. این مهم ترین راه برای تامین اتحاد کارگری در هر مرکز و حول مطالبات خود و رهبران کارگری در مقابل کارفرمایان و دولت است. مسئله دیگر این است که باید تلاش کرد مرحله کنونی را سپری کرد و قدمی مبارزات کارگری موجود را به سطح عالی تری برد و توازن کنونی را به نفع خود تغییر داد. لازم و ضروری است سطح مبارزات کارگری را از سطح فابریکی و محلی فراتر برد و در سطح منطقه ای و فرا محلی و حتی سراسری گسترش داد و متحد کرد. مبارزاتی که خود شما اشاره کردید و کل مبارزات طبقه کارگر در یک دهه اخیر در سراسر ایران حول چهار- پنج خواست اساسی و محوری و مشترک است. اصلی ترین مطالب طبقه کارگر افزایش دستمزدها است که در قالبهای مختلف بیان میشود و این شامل بازنشسته گان، پرستاران، معلمان و... هم میشود. به اعتباری بهبود زندگی خواست اصلی و سراسری طبقه کارگر و اقشار محروم است که محور اصلی آنرا افزایش دستمزدها تشکیل میدهد و حول آن است. لغو قرار دادهای سفید امضا و علیه اخراج و دستگیرها از مطالبات مهم کارگری است. بهر صورت چند خواست اصلی محور مبارزات موجود برای بهبود زندگی است و حول این خواستههای مشترک اتحادی فرا محلی ایجاد کردن امر عاجل جنبش کارگری ایران است. تشکلهای توده ای کارگری متأسفانه موجود نیست و در فقدان آنها باید متکی شد به مجموعه ای از شبکه های کارگری که موجودند و این شبکه ها و محافل کارگری، رهبران و شخصیتهای اصلی این طبقه و فعالین آن میتوانند در نبود تشکل توده ای نقش اتحاد فرا محلی را ایفا کنند و این واقعا علیرغم مشکلات واقعی که موجودند، قابل تامين و شدنی است. زمانی که تشکل توده ای حتی در سطح فابریک نداریم راهی نیست جز وسعت دادن به شبکه فعالین کارگری و اینجا نقش کارگران سوسیالیست تعیین کننده است. ... ادامه در صفحه بعد

مستقل از فضای جنگی و میلیتاریستی که در منطقه هست و عواقب و تأثیرات مخرب آن بر جامعه ایران، مبارزات و اعتراضات کارگری کلا در یک دهه گذشته و خصوصا در سالهای اخیر، ابعاد بسیار گسترده ای داشته است. هم اکنون که ما داریم صحبت میکنیم، شاهد اعتصابات و اعتراضات کارگری در بسیاری از مراکز از نفت و پتروشیمی ها و گاز کارگران فولاد، شهرداری ها، کارگران پارس واگن اراک، در معادن و بسیاری مراکز دیگر هستیم. ما یک موج اعتراض و اعتصاب کارگری را شاهدیم که نمیتواند آرام بگیرد. حاکمیت و بورژوازی ایران فقری را به جامعه تحمیل کرده است که طبقه کارگر راهی ندارد جز اینکه علیه وضع موجود، علیه شرایط کارش، علیه دستمزدهای نپرداخته و پایین خود، علیه بیکار سازی و اخراج و بعلاوه علیه موج سرکوب، پرونده سازی ها و دستگیری فعالین و تعرضات به مبارزات خود اعتراض کند. دیروز و زمانی که بعد از ۱۵ روز اعتراض و اعتصاب، کارگران پارس واگن اراک به خیابانها آمدند و راهپیمایی کردند، فوری با بسیج گارد ویژه به آنها حمله کردند.

سیاست جمهوری اسلامی چه در دولت قبلی و چه در دولت آقای پزشکیان که جدیداً سر کار آمده در برخورد به اعتراضات کارگری، جز سرکوب و یکسری وعده و وعید توخالی و تلاش برای وقت خریدن چیز دیگری نبوده است. نفس فقری که به جامعه تحمیل کرده اند بزرگترین جنگ علیه طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه است. همین الان ما شده اعتراضات وسیع پرستاران در بسیاری از شهرهای ایران هستیم و بعلاوه اعتراضات بازنشستگان، معلمان را شاهدیم که محور اصلی این مبارزات علیه فقر است، دستمزدهای ناچیز، گرانی و افزایش روزمره قیمتها و مطالبات دیگری که دارند. جمهوری اسلامی و هیچ حاکمیتی نمیتواند هم فقر را به جامعه تحمیل کند و هم استبداد سیاسی را و به همین دلیل و خصوصا در جامعه ایران پیشبرد هر دوی این سیاستهای ضد کارگری قابل دوام نیست و جامعه و خصوصا طبقه کارگر نمی پذیرد، نمیتواند این شرایط را قبول کند و راهی ندارد جز اینکه علیه این وضع و فقری که به خودش و کل جامعه تحمیل کرده اند، بجنگد.

موارد که خود شما اشاره کردید، نشان میدهد که امروز فقط بخش محروم و حاشیه ای طبقه کارگر نیست که در فقر مطلق زندگی میکنند بلکه کارگر صنعتی هم که قاعدتاً باید وضع بهتری داشته باشد، در فقر می نالد و این بخش امروز بطور جدی در اعتراض و اعتصاب است. پایه اصلی این اعتراضات علیه فقر است که به اشکال مختلف بیان میشود، علیه دستمزدهای پایین، علیه گرانی، علیه قراردادهای سفید امضا که به طبقه کارگر تحمیل کرده اند تا مسائل دیگر رفاهی و خدماتی که معضل بخش اعظم جامعه است. به همین دلیل کل محرومین و اقشار پایین جامعه چشم امید به طبقه کارگر دوخته و خواست و مطالبات این طبقه را خواست و مطالبه خود میدانند. امید به اینکه طبقه کارگر در این مبارزات پیروزی ای کسب کند و بورژوازی ایران و حکومتش را مجبور به عب نشینی کند در میان اقشار محروم جامعه بالا است. سمپاتی به اعتراضات کارگری در جامعه بسیار بالا است و چشم امید به این مبارزات دوخته شده.

آسو سهامی: شما به مبارزات کارگری و امیدهایی که به این مبارزات در جامعه است، اشاره کردید. ما در چهار دهه گذشته همیشه شاهد اعتراضات کارگری بوده ایم که گاهها دستاوردهایی داشته و گاهها هم به نتیجه نرسیده است. سوال من این است که در شرایط کنونی پیروزی کارگران در این مبارزات در گرو چه است؟

خالد حاج محمدی: به نظر من تجربه مبارزاتی طبقه کارگر در ایران، هم در دوره حکومت سلطنتی و هم در چند دهه حاکمیت جمهوری اسلامی و خصوصا در یک دهه اخیر، بسیار غنی است. تجارب همین دوره چند ساله اخیر و مقاطعی مانند اعتصابات کارگران فولاد اهواز، هفت تپه، هپکو، آذر آب و مبارزات کارگران مراکز

کارگران کمونیست کل تصویر را میبینند، منفعت عمومی تر طبقه کارگر را در نظر دارند و تصویری محدود و محلی ندارند و اینها میتوانند این قدم را بردارند و پیشقراول تحولی در جنبش کارگری ایران شوند. محلی گری ها و محدود نگرینها و اینکه این مرکز «خودمان» است و به معضلات محدود خود مشغول شدن و تصویر عمومی و درد مشترک را ندیدن امری بسیار معمول است، چیزی که کارگران کمونیست ندارند و چهار قدم آن طرف تر را میبینند و مقداری استراتژیک تر به مبارزات کل طبقه نگاه میکنند. بخش پیشرو طبقه کارگر، فعالین آگاه این طبقه میدانند که معضل کارگر فولاد و هفت تپه و نفت و پتروشیمی و... یکی است و راهی ندارند جز اینکه نیروی وسیعتر خود را حول مطالبات مشترک متحد کنند. باید تاکید کنم که ما با یک حاکمیت بورژوازی تا دندان مسلح و عمیقا ضد کارگر طرف هستیم که واقعا به منافع طبقاتی خود آگاهند و در دشمنی با ما یک میلی متر کوتاه نخواهند آمد و تردید نمیکنند و شما راهی ندارید جز اینکه نیروی وسیعتر خود را به میدان بیاورید. حمایتهای عملی از مبارزات همدیگر، اقدامی عملی در حمایت مبارزات همدیگر انجام دادن، منظور فقط تومار نویسی و اعلام حمایت نیست بلکه اقدامات عملی حمایتی است. بعلاوه دخالت دادن خانواده های کارگری و اهمیت محلات کارگری در حمایت از اعتراضات و به عنوان بخشی مهم از مبارزات کارگری را باید در نظر گرفت. تجارب تا کنونی جنبش کارگری و نقش محلات کارگر نشین و خانواده کارگری در این محلات در تجربه کارگران آمریکا، تجربه مبارزاتی کارگری در اروپا و حتی در خود ایران نمونه های برجسته ای بدست داده است که باید به آن توجه کرد و این نیرو را به میدان آورد. محلات کارگری همزمان محل زندگی اقشار محروم جامعه است که به مبارزات کارگری سمپاتی جدی دارند و غالبا بخش محروم طبقه کارگرند و هر تجمع و اقدام حمایتی از هر اعتصاب و اعتراض کارگری در هر محله ای، حمایت این بخش محروم را همراه خود دارد.

ما راهی نداریم جز اینکه نیروی وسیع خود را متحد کنیم و به میدان بیاوریم، راهی نداریم جز اینکه دسیسه ها و تبلیغات انشقاق طلبانه در صفوف کارگران را پاک کنیم، کارگر بومی و غیر بومی الان به یک مسئله تبدیل شده است، نفاق افکنی های ملی و قومی و مذهبی، طایفه ای و... که در مثلا خوزستان کم نیست و اینها را روزانه حاکمیت و دستگاه تبلیغاتی آنها، عوامل دولت و کارفرما و شوراهای اسلامی و خانه کارگر و... باز تولید میکنند و ما باید آنرا خنثی کنیم و با سیاستهای حاکمیت مقابله و صفوف کل طبقه کارگر را متحدتر و نیروی خود را وسیعتر به میدان آوریم.

طبقه کارگر ایران خوشبختانه دست روی مسائل مهمی گذاشته است، علیه بی حقوقی زن است و نصف این طبقه را زنان تشکیل میدهند، علیه مجازات اعدام است، علیه هر نوع بی حقوقی است و کلا مسائلی که جامعه بر سر آنها قطبی میشود، مسئله طبقه کارگر است. نان شب کارگر بسیار مهم است و اما مسائل دیگری که معضل جامعه است، معضل طبقه کارگر هم هست و خوشبختانه در مبارزات کارگری اینها هم جایی جدی پیدا کرده اند و این پیشروی جدی ای است. طبقه کارگر در ایران علیه زنان و اعدام و شکنجه و پرونده سازی است، علیه زن ستیزی است، علیه کار کودکان، علیه نفاقهای ملی و قومی و مذهبی و... است و اینها سمپاتی عمومی جامعه را به مبارزات این طبقه جلب میکند و نیروی این طبقه را در مبارزات خود تقویت میکند. اینها راههای تقویت مبارزات کارگری و تامین پیروی این طبقه در این مبارزات است. تردیدی نیست که هر میزان پیروزی در هر مبارزه کارگری، امیدواری در صفوف این طبقه را بالا میبرد و توقع این طبقه از زندگی خود و امید به پیروزی و مبارزه جمعی را تقویت میکند. جمهوری اسلامی با علم به این حقایق تلاش همه جنبه ای میکند که مبارزات موجود به نتیجه نرسند، به هیچ درجه از پیروزی نرسند و به خطر این طبقه و پیشروی آن و کسب پیروزی در این مبارزات آگاه است. بهر صورت این مسیری است در مقابل ما، این را باید ما تضمین کنیم، این بر دوش کمونیستهای طبقه کارگر، رهبران و پیشروان کمونیست این طبقه است و این مصافی در مقابل ما است و راه دیگری موجود نیست. حقیقت این است که جامعه عقب نمی نشیند، طبقه کارگر عقب نمی نشیند و کوتاه نمی آید و شرایط جامعه ایران این نیست که جمهوری اسلامی موفق شود که طبقه کارگر را ساکت کند، این ممکن نیست و فضای عمومی جامعه و سطح مبارزات و توازن قوای کنونی، خودآگاهی طبقه کارگر و رهبران این طبقه این را نمیگوید.

آسو سهامی: میخواهم مشخصا در مورد فضای جنگی سوال کنم. در کشمکش و فضای جنگی حاکم بر منطقه همه قدرتهای اصلی دنبال منافع خود هستند، از افزایش فروش اسلحه تا بالا بردن قیمت نفت و جمهوری اسلامی در این اوضاع با سلاح اعدام به میدان آمده است. جمهوری اسلامی میوشد با استفاده از این فضا در مقابل طبقه کارگر نفسی تازه کند، تلاش میکند فشار جنبش اعتراضی کارگری، جنبش زنان که حتی در زندانها دست از سرش بر نمی دارند، اعتراضات معلمان را در این فضای کم کند. از نظر شما فضای جنگی حاکم بر منطقه چه تاثیراتی دارد و نظر شما در این مورد چه است؟

خالد حاج محمدی: نکاتی که شما اشاره دارید در حقیقت تلاشی است که جمهوری اسلامی برای استفاده از فضای جنگی علیه مردم ایران میکند. در مورد اوضاع منطقه، بحثی مستقل است که فرصت پرداختن به آن اینجا نیست. اما یک حقیقت آشکار است و آن اینکه راس میلیتاریسم منطقه دولتهای غربی هستند. در مورد مسئله فلسطین، مستقل از کشتار وسیعی که دولت اسرائیل مرتکب میشود و غرب حامی او است و در جنایات جنگی آن شریک است، اسرائیل در بن بست قرار دارد. اکنون حتی بعضی از روسای دولت اسرائیل به این نتیجه رسیده اند که پیروزی قطعی در غزه و ادعاهای اینکه حماس را «تمام» میکنیم و منطقه را تماما «پاک» میکنیم، ممکن نیست. ده ماه است دولت اسرائیل از مردم فلسطین کشتار میکند و به هدف ادعایی خود نرسیده و البته نتیجه آن کشتار جمعی مردم فلسطین و ویرانی کامل غزه است. اسرائیل منزوی است در جهان، در منطقه تنها است و موقعیت امریکا و غرب در این منطقه ضعیف تر از گذشته است و اسرائیل در بن بست کامل و مستاصل است. بعلاوه اسرائیل در جهان مورد نفرت بشریت متمدن است. اسرائیل برای نجات خود از این وضع دست به هر اقدامی میزند که آخرین آن ترور هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران بود. این تلاش نقشه مند بود با هدف مجبور کردن ایران به جنگ مستقیم و مجبور شدن آمریکا و ناتو به وارد شدن جنگ با ایران و از این کانال نجات اسرائیل از بن بست و استیصال کنونی. ایران هم اعلام کرده است که در جواب اسرائیل را میزند و ممکن است هر لحظه ایران دست به اقدامی تلافی جویانه بزند، مگر اینکه امتیازاتی را با مذاکرات پنهانی به ایران بدهند که چنین کاری نکنند. اما بحث بر سر عواقب این اوضاع است. بر خلاف آنچه اپوزیسیون راست به آن امید بسته است که بلکه وارد جنگ مستقیم با ایران بشوند و غرب ایران را بزند، هر شلیکی به طرف ایران و متقابلا هر حمله ای از جانب ایران و افزایش جنگ و تنش در منطقه، دودش به چشم مردم منطقه و مردم ایران خواهد رفت. اکنون و در فضای متشنج کنونی که به عقیده من ترسناک است، وضعیت خطرناکی است و این واقعیت است و با عکس العمل ایران در شرایطی که آمریکا منطقه را پر ناوگانها و کشتی ها و زیر دریایی های هواپیمای جنگی کرده است و رسما هم اعلام کرده است که از اسرائیل حمایت میکنند، هر اتفاقی ممکن است به جنگی بزرگ تبدیل شود. این پدیده برای مردم ایران نگران کننده و خطرناک است و برای مردم ایران و منطقه عواقب مخربی دارد. هیچکدام از دول منطقه از جمله ایران خواهان جنگ وسیع نیستند و چنین جنگی را به زیان خود میدانند، جز اسرائیل. اما و مستقل از این جمهوری اسلامی از فضای جنگی به عنوان یک فرصت جهت تعرض به جامعه استفاده میکنند. مواردی که شما اشاره کردید، حمله به زنان، اعدامهای وسیعی که در این مدت انجام دادند، صادر کردن احکام اعدام برای زنان به جرایم سیاسی و در همین دوره کوتاه دولت پزشکیان تعداد زیادی را اعدام کردند و این تلاش برای استفاده از فضای جنگی برای عقب راندن جامعه و متقاعد کردن مردم آزادیخواه به اینکه حکومت رفتنی نیست و تسلیم شوند است. از این فضا علیه طبقه کارگر و مبارزاتش نهایت استفاده را میکند، اینکه فضا جنگی است و ما در جنگ هستیم و تلاش برای تحمیل کردن فضای خفقانی به مردم سودی است که جمهوری اسلامی میبرد. جامعه تسلیم نشده و جمهوری اسلامی چه علیه طبقه کارگر و چه زنان و مردم آزادیخواه به اهداف خود نرسیده است. کلا ترور هنیه در تهران و مسائل متعاقب آن اگر به جنگ وسیع تبدیل نشود که اسرائیل و هوادارانش در اپوزیسیون ایران آرزویش را دارند و هر اقدامی از این دست توسط اسرائیل و یا اقدام تلافی جویانه ایران اگر به جنگ وسیع تبدیل نشود، خاصیت بزرگی برای جمهوری اسلامی علیه مردم ایران دارد. در چنین اوضاعی جمهوری اسلامی دو هدف را در این فضا بطور جدی و هماهنگ دنبال میکند. یکی از این اهداف پس زدن اعتراضات در جامعه ایران و تحمیل استیصال به طبقه کارگر، پادگانی کردن محل کار و خصوصا مراکز صنعتی، عقب راندن جنبش حق زن و... است.

هدف دومی که جمهوری اسلامی دنبال میکند، تلاش ریاکارانه و دروغین برای ظاهر شدن به عنوان حامی مردم فلسطین است. تلاش میکند بر نفرت بر حق مردم منطقه علیه ملیتاریسم غرب و توحش بی مرز اسرائیل علیه مردم فلسطین، سرمایه گزاری کند. از این کانال جمهوری اسلامی میکوشد بخش عقب مانده مردم منطقه، مردم بی پناه و مستاصل در جهان عرب و منطقه را حامی خود کند و این تاثیر میگذارد. اسرائیل و جمهوری اسلامی دو دولت مرتجع منطقه هستند که تخاصمات با هم دارند، اما امروز و در دل کشتار و جنایات وحشیانه اسرائیل از مردم فلسطین، جمهوری اسلامی با پرچم ضدیت با دولت اسرائیل میکوشد، عواطف مردم منطقه به مردم فلسطین، سمپاتی آنها از مردم فلسطین و نفرت بر حق آنها از دولت اسرائیل را بخرد. میکوشد از این فرصت برای تحکیم موقعیت خود در منطقه و برای قدرتمند کردن جریانات اسلامی متحد خود بکوشد و بخش عقب مانده مردم را حامی خود کند. میتواند به مسائل زیادی در این زمینه اشاره کرد اما بهر صورت جمهوری اسلامی از فضای جنگی و ترسناک کنونی برای تامین این دو هدف میکوشد.

پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:
Yahsat w1A
12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A
10721 افقی 22000

hekmatist.com

تماس با حزب

➔ @Hekmatistx
دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی

برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی در دسترسی به ابزاری های ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسان های سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.



نینا

